

سیره حضرت رضا علیه السلام در برخورد با چالش های تربیتی خانواده با عنایت به فقه امامیه

سید مجتبی میردامادی^۱

علیرضا شمالی^۲

چکیده

شالوده یک جامعه سالم، با تعلیم و تربیت صحیح شکل می گیرد. در این میان نقش تربیت از تعلیم که مبتنی برآوردهای فقه می باشد مهم تر است زیرا اولاً با روح و روان انسان در ارتباط است و ثانیاً کودکان پیش از آنکه مفاهیم اخلاقی را درک کنند و بفهمند، با الگو گرفتن از رفتار پدر و مادر تربیت می شوند. این در حالی است که خانواده به ویژه در جوامع صنعتی با چالش های تربیتی متعددی دست به گریبان است از جمله ضعف روابط عاطفی، کاهش باورهای دینی، نگاه مادی به زندگی و چالش های فضای مجازی. این مقاله می کوشد با روش توصیفی-تحلیلی به مهم ترین چالش های تربیتی در خانواده و راهکارهای مقابله با آنها در سیره حضرت رضا علیه السلام و به تبع در فقه امامیه بپردازد. دستاورد مقاله نشان می دهد که توجه به سیره ائمه اطهار علیه السلام و حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و به کارگیری توصیه های آنان در برخورد اعضای خانواده با یکدیگر به ویژه در برخورد مادران و پدران با فرزندان، بهترین راهکار برای مقابله با چالش های تربیتی است. از سویی دیگر تربیت با فقه در غایات و اصول اشتراکاتی دارد که به آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: خانواده، تربیت، چالش تربیتی، سیره، فقه.

۱. استاد خارج حوزه علمیه قم و دانشیار دانشگاه تهران mirdamadi_77@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب Alireza1shomali@gmail.com





مقدمه

خانواده نخستین نهاد اجتماعی و کوچک‌ترین واحد تشکیل دهنده جامعه است که شامل پدر، مادر و فرزندان می‌شود. صرف نظر از ساختار و نوع خانواده، معمولاً هر خانواده از سه نسل تشکیل می‌شود که برای مدتی کنار هم زندگی می‌کنند؛ نسل اول پدر بزرگ و مادر بزرگ، نسل دوم پدر و مادر و نسل سوم فرزندان. هر کدام از این سه نسل وظایفی و کارکردی دارند که با یکدیگر متفاوت است. خانواده با ازدواج مردی و زنی تشکیل می‌شود و اهداف گوناگونی دارد که مهم‌ترین هدف آن، ادامه نسل انسان است: *يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً* (نساء/۱) ای مردم! از پروردگارتان بپرهیزید، آنکه شما را از یک تن آفرید و جفتش را از او پدید آورد و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت.

خانواده در همین حال اهداف متعدد دیگری دارد از جمله رسیدن به آرامش جسم و روان، شکوفایی عواطف و احساسات، برآورده کردن نیاز جنسی، جلوگیری از انحرافات اخلاقی، کمک به تکامل شخصیت انسانی، رسیدن به روحیه سازش و همکاری، پاسخ به ندای فطرت و غیره. این در حالی است که خانواده به ویژه در دوران معاصر با چالش‌های متعددی روبرو است، چالش‌هایی که با صنعتی شدن زندگی آدمیان، هم‌چند برابر شده و هم‌شکل و شمایل متفاوت یافته است. برخی از این چالش‌ها عبارتند از: مشکلات عام تربیتی در دوران کودکی، مشکلات تربیت دینی در دوران نوجوانی، مشکل ناآگاهی پدران و مادران، مشکل نگاه مادی‌گرایانه در خانواده، چالش عدم حمایت تربیتی اعضای خانواده از یکدیگر، مشکلات مربوط به تحصیل در مدارس، چالش فضای مجازی و رسانه‌ای، چالش عدم تمایل زوجین به داشتن فرزند و غیره. هر کدام از این چالش‌ها و مشکلات، آسیب‌هایی چه برای فرزندان و چه برای زن و شوهر به همراه دارند که برای رسیدن به خانواده‌ای موفق و ارزشمند، باید با این آسیب‌ها و راه‌های مقابله با آنها آشنا شد.

این مقاله در پی تبیین چالش‌های مهم تربیتی خانواده و ارائه راهکارهایی برای مقابله با این چالش‌ها براساس فقه و سیره حضرت رضا (علیه السلام) است.

۱- ادبیات تحقیق

در این بخش ابتدا به تبیین اصطلاحات کلیدی تحقیق می پردازیم تا خواننده ابتدا به مفهوم و مقصود این اصطلاحات آشنا شود و به نتیجه مطلوب از مقاله نائل آید.

۱-۱- خانواده

خانواده بنیادی ترین نهاد اجتماعی در تمدن بشری است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان علوم مختلف به ویژه روان شناسان و جامعه شناسان قرار گرفته است. خانواده به عنوان نخستین نهادی که محیطی امن و مناسب را برای رشد انسان فراهم می کند، هم در رشد یکایک اعضای خانواده مؤثر است و هم می تواند به ساخت جامعه ای سالم کمک کند زیرا خانواده کوچکترین واحد جامعه است و جامعه ای که از خانواده های سالم تشکیل شده باشد، خود نیز از سلامت برخوردار خواهد بود.

در آموزه های اسلامی، برتشکیل خانواده و ازدواج که زمینه مهمی برای تعالی اخلاقی و معنوی افراد فراهم می کند، تأکید شده است، زیرا همدلی، همکاری و حمایت مادی و معنوی زن و مرد از یکدیگر، به بهترین وجه در ازدواج و درتشکیل خانواده در پرتو تعالیم اسلام، فراهم می شود. (سالاری فر، ۱۳۸۶: ۵۷) تشکیل خانواده در اسلام، مسئله ای حیاتی و ارزشمند است که نخستین انگیزه آن به صورت غریزی و در قالب محبت و اشتیاق متقابل زوجین به یکدیگر، به اراده حکیمانه خداوند در نهاد انسان قرار داده شده است.

اهمیت خانواده را به عنوان کانون اصلی زندگی فردی و اجتماعی، باید در نقش و کارکرد آن در تکوین رشد و تعادل شخصیت، شکل دادن به هویت فردی و اجتماعی و همچنین ایجاد روابط تنگاتنگ و بلند مدت بین اعضای خانواده جستجو کرد. خانواده حقیقتی بیش از مجموعه ای از افراد است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می برند. خانواده یک نظام اجتماعی است که ویژگی های خاص خود را دارد. در چنین نظامی، افراد به وسیله علایق و دلبستگی های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل، به یکدیگر متصل شده اند که در سراسر زندگی خانوادگی به بقای خود ادامه می دهند. (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۴۰۳: ۹)



حضرت رضا علیه السلام از امام باقر علیه السلام سخنی نقل می‌کند که ضرورت تشکیل خانواده را به خوبی نشان می‌دهد. آن حضرت می‌فرماید: زنی از امام باقر علیه السلام پرسید: خدا کارت را سامان بخشد؛ من زنی اهل تبطل هستم. امام فرمود: منظورت از تبطل چیست؟ او جواب داد به این معنی که هرگز ازدواج نخواهم کرد. امام پرسید: چرا؟ او گفت: می‌خواهم با این کار فضیلت و منزلتی به دست آورم. امام فرمود: از این تصمیم منصرف شو زیرا اگر بی همسری فضیلت بود، حضرت فاطمه (س) به آن شایسته تراز تو بود. (طوسی، ۱۴۰۹: ۳۷۰)

حضرت رضا علیه السلام همچنین با الهام از بیانات رسول اکرم (صلوات الله علیه) فرموده است: «من السنة التزویج باللیل لأن الله جعل اللیل سکناً والنساء انما هن سکن». عروسی در شب هنگام، روش رسول خدا است، زیرا (مطابق آیه قرآن «وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ لِبَاسًا» (نبأ/۱۰)) خداوند شب را مایه آرامش قرار داده است و همسر هم موجب آرامش روانی است. (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۳۶۶)

۲-۱- تربیت

لغت‌شناسان «تربیت» را از باب «تفعیل» می‌دانند هرچند درباره ریشه آن اختلاف نظر دارند. برخی آن را از ریشه «ربأ-یربؤ» یعنی فعل مهموز به معنای رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن می‌دانند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده ربأ) ابن عربی نیز با همین برداشت می‌گوید: «فَمَنْ يَكُ سَائِلًا عَنِّي فَإِنِّي بِمَكَّةَ مَنْزِلِي وَبِهَا رَيْبِي». اگر کسی از من بپرسد (کیستی؟) خواهیم گفت: اقامتگاه من مکه است و در همان جا قد کشیده و بالیده‌ام. (رفیعی، ۱۳۸۸: ۹۰/۳)

برخی دیگر آن را از ریشه «ربی-یربی» یعنی فعل ناقص یایی و به معنای افزودن، پروراندن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک می‌دانند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۵/۴)

برخی از عالمان لغت تربیت را از ریشه «رب-یرب» یعنی فعل مضاعف می‌دانند که در این صورت به معنای پرورتن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن، به اعتدال بردن و استوار و متین ساختن است. (خطیب، ۱۴۱۵: ۲۳) در اقرب الموارد هم آمده است: «رباه یربی تربیه: جعله یربو و

غذاه و هذبیه». او را تربیت کرد، یعنی غذا داد و پیراسته اش کرد. (خوری الشرتونی، ۱۴۰۳: ۳۸۶/۱)

بیشتر زبان شناسان تربیت را به معنای سوم گرفته اند از جمله راغب اصفهانی که می گوید: تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آنگاه که به انجامی که آن را سزد، برسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۸۴) بیضاوی هم تربیت را «به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک اندک هر چیز» دانسته است. (بیضاوی، ۱۴۰۸: ۱۰/۱)

تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می شود که مطلوبیت و ارزش دارد. این کمال گاه جنبه شناختی دارد که به دانش، شناخت و آگاهی انسان مربوط می شود، گاه جنبه گُنشی یا حرکتی دارد که به رفتارها و اعمال بیرونی انسان مربوط می شود و گاه جنبه گرایشی یا عاطفی دارد که به نگرش، اعتقاد، ایمان و علایق و احساسات انسان مربوط است. تربیت اخلاقی یعنی تلاش برای شناخت فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و پایبندی به ارزش های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال. به طور کلی می توان گفت که تربیت در اصطلاح عبارت است از فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، عاطفی و به طور کلی پرورش و شکوفایی استعداد های انسان به گونه ای که نتیجه آن در شخصیت و به ویژه در رفتارهای او ظاهر می شود.

۳-۱- چالش تربیتی

چالش ها یا آسیب های تربیتی، از مهم ترین مباحث فلسفه دین به شمار می رود. آسیب شناسی تربیت دینی یعنی شناخت آسیب ها یا چالش هایی که وارد جامعه دینی می شود و به تضعیف اعتقادات و باورهای دینی و به سوء رفتار دینداران می انجامد. این آسیب ها می تواند عوامل و منشأ های گوناگون داشته باشد. چالش ها و آسیب ها را باید نخست در متولیان امر تعلیم و تربیت دینی جستجو کرد. متولیان امر تعلیم و تربیت دینی گاه نهاد ها و مؤسسات حقوقی هستند و گاه افراد حقیقی یعنی مربیان تربیتی مانند پدر و مادر، معلمان و الگوهای



تربیتی در جامعه. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به عدم تربیت دینی صحیح خود مربی اشاره کرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِنَاسٍ إِمَامًا فَلْيَدَّءِ بِتَعْلِيمٍ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَمُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ». کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از آن که به گفتار تربیت کند. با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد. (نهج البلاغه / حکمت ۷۳)

اگر مربی در بخش اعتقادات و اخلاقیات، تربیت صحیح نیافته باشد، از دو جنبه به افراد مورد تربیت آسیب می‌رساند، نخست از حیث تاثیرگذاری اخلاقی و انتقال بینش و تفکر غلط اعتقادی به آنان و دوم دین‌گریزی افراد مورد تربیت و بی‌اعتمادی آنان به دینداران. آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به دیگران انتقال می‌یابد، تنها معلومات و مهارت‌های معلم و مربی نیست بلکه تمام صفات، خلیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری نیز به شاگردان منتقل می‌شود. معلم و مربی با روح و جان افراد سروکار دارند و به همین جهت به عنوان الگویی محبوب تلقی می‌شود.

۴-۱- سیره

کلمه «سیره» از ماده «سیر» برون «فعله» و مصدر نوعی است. «سیر» یعنی روش یا رفتار و «سیره» یعنی نوع و سبک رفتار. (جمعی از محققان، ۱۳۸۹: ۴۹۴) سیره در اصطلاح عبارت است از بنای عملی انسان‌ها در طول تاریخ برانجام کاری یا بر ترک آن. (قلی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۰) به عبارت دیگر، سیره عبارت است از استمرار روش و شیوه مستمر عملی میان مردم برانجام کاری یا ترک عملی. (مظفر، ۱۴۱۰: ۱۵۳/۲) استمرار شیوه و روش، اگر میان همه عقلا منظور باشد، آن را سیره عقلا و اگر همه مسلمانان یا پیروان مذهب یا گروهی خاص از مسلمانان مورد نظر باشد، آن را سیره متشرعه می‌نامند. (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۸: ۱۹۹) یکی از مصادیق سیره متشرعه سیره اصحاب ائمه علیهم السلام می‌باشد. (بدری، ۱۴۲۸: ۱۶۰)

حضرت رضا علیه السلام از دیدگاه شیعه، در زمره اهل بیت علیهم السلام قرار می گیرد و سیره اهل بیت همچون سیره پیامبر صلوات الله علیه است. اهل بیت یا به عربی «أهل البیت»، خاندان پیامبر اکرم ﷺ هستند که مراد از آنها در ادبیات و کتاب های شیعی، چهارده معصوم است. در منابع شیعه، فضایل، ویژگی ها و حقوقی برای اهل بیت نقل شده است. بنابر اعتقاد شیعه، اهل بیت دارای مقام عصمت هستند و از همه اصحاب پیامبر ﷺ و بلکه از همه مخلوقات خدا برترند، ولایت و رهبری جامعه اسلامی برعهده آنهاست و مسلمانان باید در همه آموزه های دینی، اهل بیت را مرجع خود بدانند و از آنها پیروی کنند. همچنین براساس منابع شیعی، مودت اهل بیت بر مسلمانان واجب است و آیات تطهیر و مودت و نیز احادیث ثقلین، سفینه و امان در باب فضائل اهل بیت اند. همه مسلمانان از صدر اسلام تا به امروز به جز عده اندکی که ناصبی نامیده می شوند، به اهل بیت پیامبر ﷺ ارادت و علاقه داشته و جایگاه والای آنها را در علم و عمل پذیرفته اند. مذهب شیعه به جهت اعتقاد به اهل بیت و پیروی از آنان، مکتب اهل بیت نامیده می شود. (سبحانی، ۱۳۷۶: ۸) همچنین از مکتب فقهی شیعی با عنوان مکتب فقهی اهل بیت یاد می شود.

حجیت و اعتبار سنت پیامبر ﷺ شامل فعل، گفتار و تقریر آن حضرت، مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است. اهل سنت نیز همانند شیعه، سنت نبوی را یکی از منابع استنباط احکام شرعی می شمارند اما شیعیان براساس آیات و احادیث نبوی، علاوه بر سنت پیامبر گرامی اسلام ﷺ سنت اهل بیت علیهم السلام را نیز حجت و از منابع و دلایل احکام شرعی شمرده اند. (جمعی از محققان، ۱۳۸۹: ۳۹۸)

۵-۱. فقه

فقه در لغت به معنای فهم و فهم دین همان فقه است انسان در ارتباط با محیط همراه با مشی دینی باید طبق ضوابطی عمل نماید که آن ضوابط، احکام شرعیه یا همان فقه است در مقام اجرا آنچه منشعب از فقه است حقوق اساسی و حقوق مدنی و حقوق خانواده و جزایی و غیره است.



۲- مؤلفه های خانواده از منظر قرآن

خانواده مهم ترین ساختار اجتماعی است. اگر خانواده ای سالم باشد، اعضای خانواده نیز در این بستر به خوبی رشد می کنند و به عنوان عضو مفید می توانند به پیشرفت جامعه خود کمک کنند. در مقابل در صورتی که خانواده ناسالم باشد، جامعه را نیز ناسالم خواهد کرد. خانواده از نظر قرآن دارای مؤلفه ها یا ویژگی هایی است که فراهم آمدن این مؤلفه ها، به معنای سلامت خانواده است. در این بخش به بررسی این مؤلفه ها می پردازیم.

۲-۱- پیوند وجودی

نوع رابطه و پیوند زن و شوهر یکی از ابعاد مهم خانواده در قرآن است. از نظر قرآن رابطه و پیوند میان زن و شوهر رابطه و پیوندی وجودی است که خداوند در آغاز آفرینش ایجاد کرده است: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم/۲۱) و از نشانه های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد. بدون شک در این کار نشانه هایی برای مردمانی است که می اندیشند.

براساس این آیه هر يك از مرد و زن فی نفسه ناقص و نیازمند طرف دیگر است و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می شود و به سبب همین نقص و احتیاج است که هر يك به سوی دیگری حرکت می کند و چون به آن می رسد آرام می گیرد زیرا هر موجود ناقصی مشتاق رسیدن به کمال است و این حالت همان شهوتی است که در هر يك از آن دو به ودیعت نهاده شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۶۶)

۲-۲- رسیدن به آرامش

مؤلفه دوم خانواده از منظر قرآن کریم که از آیه ۲۱ سوره مبارکه روم به خوبی برداشت می شود، رسیدن به سکونت یا آرامش است. در تعریف کلمه «سکینه» آمده که نوری ملکوتی است که خداوند بر دل افراد مؤمن نازل می کند و در نتیجه ترس و اضطراب و شتابزدگی از آنان رخت بر

بسته، موجب افزایش ایمان و پایداری آنان می گردد. سکونت به معنای استقرار یافتن و از بین رفتن نا آرامی است و استقرار یعنی قرار گرفتن در مکانی که در مقابل حرکت است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده سکن) این آرامش و سکونت هم از نظر جسمی است و هم از نظر روحی. بیماری هایی که به خاطر ترك ازدواج برای جسم انسان پیش می آید قابل انکار نیست. همچنین عدم تعادل روحی و نا آرامی های روانی که افراد مجرد با آن دست به گریبانند کم و بیش بر همه روشن است. از نظر اجتماعی افراد مجرد کمتر احساس مسئولیت می کنند و به همین جهت انتحار و خودکشی در میان مجردان بیشتر دیده می شود، و جنایات هولناک نیز از آنها بیشتر سر می زند. هنگامی که انسان از مرحله مجرد گام به مرحله زندگی خانوادگی می گذارد شخصیت تازه ای در خود می یابد، و احساس مسئولیت بیشتری می کند و این است معنی احساس آرامش در سایه ازدواج. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶/۳۹۲)

آنگاه که دو نفر که از لحاظ فکری، روحی و اعتقادی به هم نزدیکند، با هم باشند، احساس آرامش و سکونت می کنند، ولی اگر مخالف هم باشند، سعی می کنند یکدیگر را نبینند چون مانع سکونت فکری یکدیگر به حساب می آیند. مرد وقتی به منزل وارد می شود هم احساس سکونت ظاهری و هم سکونت باطنی کند. باید به این توجه شود که اگر می خواهیم سکونت ظاهری را از آیه برداشت کنیم باید عامل سکونت ظاهری، سکونت باطنی باشد یعنی بین زن و شوهر تفاهم فکری و باطنی باشد. اگر مرد و زن از لحاظ فکری کنار یکدیگر آرامش کسب نکنند باعث می شود از لحاظ جسمی نیز بین آن ها فاصله بیفتد. پس خداوند یکی از نشانه هایی که در این جهان قرار داده این است که همسری برایتان قرار داده تا با کمک او بتوانید به سکونت و آرامش دست یابید. سکونتی که قرآن فرموده و از اهداف ازدواج است باید به گونه ای باشد که قبل از ازدواج احساس نیاز به آن سکونت باشد. این سکونت جدید، مسبوق به عدم است یعنی سابقاً وجود نداشته است و با ازدواج حاصل می شود. چون اگر قبل ازدواج این سکونت باشد تحصیل حاصل است. این که قرآن کریم می فرماید سکونت را به دست آورید مشخص می کند که قبل از ازدواج سکونت وجود ندارد.





۳-۲- مودت و رحمت

مؤلفه مهم دیگری که در آیه ۲۱ سوره روم به آن تصریح شده، «مودت» و «رحمت» یا دوستی و مهربانی است، دو ویژگی که رابطه مرد و زن را در قالب خانواده از دیگر رابطه‌ها از جمله ازدواج سفید یا «همباشی» متمایز می‌سازد. واقعیت این است که رابطه زن و مرد در ازدواج سفید از روی مصلحت گذرا و فقط برای رفع نیاز جسمی یا عاطفی است که به مرور با کاهش یا ضعیف شدن این نیاز، رابطه بین آن دو از بین می‌رود.

«مودت» به معنای محبت به چیزی است و آرزو داشتن نسبت به آن یا هر دو معنی در این واژه به کار می‌رود زیرا تمنی که آرزو داشتن چیزی است، در برگیرنده معنی دوستی است زیرا دوستی از سه مرحله نیاز، شناخت و سپس عشق و محبت می‌گذرد و معنی خواستن و تمایل شدید رسیدن و به دست آوردن چیزی است که دوستش دارند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ماده وُد).

«رحمت» نیز از «الرحم» به معنای مشیمه و بچه دان زن گرفته شده است. رحمت دو معنی در بر دارد؛ یکی رقت و نرم‌دلی و دیگری احسان و بخشش (همان: ماده رحم) و خداوند این هر دو را در نهاد زن و مرد قرار داده است. رحمت بر همین اساس به معنای نوعی تاثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و نیازمند رفع نقص است، در دل صاحب رحمت پدید می‌آید و او را وادار می‌کند که در صدد نجات دادن فرد محروم و برطرف کردن نقص او برآید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۶۷)

پیوند مرد و زن چیزی جز پیوند دوستی و پیراسته از هر انگیزه دیگر نیست. در واقع در خانواده است که نقاط ضعف و قوت شخصیت انسان بدون هیچ گونه ترس یا ملاحظه‌ای آشکار می‌شود. خانواده محیطی است که امکان درمان مشکلات به صورت طبیعی در آن فراهم است زیرا با بردباری، محبت، وفاداری و اطمینان متقابل زن و شوهر، زمینه شناخت نقاط منفی شخصیت و رسیدن به راهکاری برای رهایی از آنها، بیش از هر جای دیگر میسر می‌شود. در نگاه اسلام، آلودگی درونی بدتر از آلودگی بیرونی است و محیطی که امکان ظهور و بروز نقاط منفی شخصیت انسان بدون ترس از کیفر وجود دارد، همان خانواده است که با نیروی عشق و محبت

می توان به دشوارترین مقصودها رسید.

۳- آسیب های تربیتی خانواده و راهکار حضرت رضا علیه السلام در مواجهه با آنها

خانواده مهم ترین نهادی است که در پی سامان بخشیدن به نیازهای جنسی زن و مرد و نیز رسیدن آن دو به آرامش روحی و روانی و بقای نسل است. با این حال نهاد خانواده در تعامل با سایر نهادهای اجتماعی، اشکال مختلفی می یابد که گاه روابط اعضای خانواده را دگرگون می کند و کارکرد آن را به چالش می کشد. در جوامع سنتی که تغییرات اجتماعی آهنگ کندی دارد، بیشترین آسیب ها از اعضای خانواده ناشی می شود اما در جوامع صنعتی امروزی که تحولات اجتماعی شتاب می گیرد، آسیب ها به گونه دیگری است زیرا بسیاری از تحولات و تغییرات اجتماعی، تأثیر عمیقی بر نهاد خانواده می گذارد و اعضای آن را در معرض آسیب قرار می دهد که در این بخش به بررسی مهم ترین آسیب ها می پردازیم.

۳-۱- مشکلات اقتصادی

در جوامع صنعتی، زنان بسیاری شاغل هستند و در همین حال مردان نیز برای فراهم کردن یک زندگی نسبتاً مرفه، باید بیش از حد معمول کار کنند و گاه دو شغل داشته باشند و در نتیجه بیشتر مواقع خارج از خانه به سر می برند و فرزندان نیز هریک در حال تحصیل در مدرسه یا دانشگاه هستند. در چنین وضعیتی، خانه کارکرد اصلی خود را از دست می دهد و ارتباطات کلامی اعضای خانواده و در پی آن ابراز محبت و علاقه کاهش می یابد.

بر همین اساس در جوامع صنعتی، مسئله اشتغال و استقلال مالی زنان اهمیت فراوانی می یابد و حتی بسیاری از کارخانه ها، شرکت ها، بیمارستان ها، مراکز آموزشی و دیگر بنگاه های اشتغال را ترجیح می دهند برای پیشبرد مأموریت ها و وظایف خود از زنان استفاده کنند و به موازات اشتغال زنان خارج از خانه، خانواده و اعضای آن به سبب حضور نداشتن مادر دچار آسیب و عوارض منفی می شوند.

این در حالی است که در جوامع سنتی به سبب وجود روحیه قناعت و کم بودن مشکلات



اقتصادی، پدر و مادر فرصت می‌یابند تا به تربیت فرزندان خود بپردازند و از وضعیت تحصیلی، دوستان و مشکلات آنان اطلاع یابند و با تجارب ارزشمند خود، فرزندان را راهنمایی کنند اما در جوامع صنعتی پدر و مادر خسته از کار بر می‌گردند به گونه‌ای که نه فرصت و حوصله ابراز محبت به فرزندان را دارند و نه حس و حال ابراز عشق و علاقه به یکدیگر. اینجاست که خانه نقش اصلی خود را از دست می‌دهد و تنها شب هنگام، اعضای خانواده برای خوابیدن، غذا خوردن و تماشای برنامه‌های تلویزیونی گرد هم جمع می‌شوند و همه اعضا به نوعی مشکلات و دغدغه‌های بیرونی را در روابط با اعضا لحاظ می‌کنند. در چنین شرایطی است که خانواده متزلزل و به محیطی سرد و بی‌عاطفه تبدیل می‌شود، محیطی که اعضای آن همیشه با یکدیگر طلب کارانه برخورد می‌کنند و عواطف و احساسات به شدت ضعیف می‌شود. این در حالی است که از نظر اسلام، خانه و خانواده محیطی گرم و محلی مناسب برای تصمیم‌سازی برای آینده زندگی است که اعضا با مشورت با یکدیگر می‌توانند مشکلات زندگی را بررسی و حل کنند و ارتباطات کلامی و عاطفی نقش مهمی در این زمینه دارد.

امام رضا علیه السلام در سخنی نورانی تأکید می‌کند که خانواده باید محل امن و آرامش باشد: «مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَائِدَةً خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتُهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ». هیچ فایده‌ای به کسی نمی‌رسد بهتر از اینکه برایش بانویی باشد که نگاه کردن به او و مصاحبت با او موجب شادمانی همسر باشد و در غیاب شوهر امانت دار و حافظ حریم خویش و خانواده و اموال شوهر است. (کلینی، ۱۴۰۶: ۵/۳۲۷)

۲-۳- خشونت خانوادگی

از جمله آسیب‌های تربیتی در خانواده‌ها به ویژه در خانواده‌های امروزی، خشونت و برخوردهای قهرآمیز است که آرامش خانواده را برهم می‌زند و در این میان زنان و کودکان بیشترین قربانیان خشونت خانوادگی هستند. در جوامع پدرسالار گاه این حق را به پدر می‌دهند که در صورت مشاهده رفتاری که با ارزش‌ها و هنجارهای پدر خانواده سازگاری ندارد، کودک یا همسر خود را تنبیه کند هرچند اسلام اولاً تعریفی خاص برای ارزش‌ها و هنجارها دارد و

ثانیا تنبیه را به عنوان آخرین گزینه مجاز می‌شمرد زیرا ضرب و جرح کودکان و زنان آثار ناگواری بر شخصیت و عواطف و احساسات آنان بر جای می‌گذارد و آنان را دچار اختلالات روانی می‌کند. تنبیه بدنی کودکان را با نارسایی در کلام و فکر مواجه می‌کند و اعتماد به نفس آنان را از بین می‌برد و زنان را برای ایفای نقش مادری و همسری با مشکل مواجه می‌سازد. منطق دین هنگام بروز ناهنجاری در رفتار کودکان و زنان، روشنگری، نصیحت و ارشاد است و اگر هیچ راهی جز تنبیه برای اصلاح نباشد، شرایط خاصی برای آن قرار داده است.

حضرت رضا علیه السلام در این زمینه سخنان گهرباری دارند. آن حضرت از قول رسول خدا، هم به حسن رفتار در خانواده توصیه کرده و هم از نوع رفتار ایشان با همسرشان خبر داده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي». رسول خدا ﷺ فرمودند: کسی که ایمانش برتر از دیگران است، اخلاقش نیکوتر و به خانواده اش مهربان تر است و من نسبت به خانواده خود، مهربان ترم. (صدوق، ۱۳۷۸: ۳۸/۲)

آن حضرت در سخن دیگری از قول رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ». نزدیک ترین شما به من در روز قیامت کسی است که خوش خلق تر باشد و برای خانواده خود بهترین باشد. (همان)

۳-۳- کمبود محبت

اصل محبت را خداوند در قلب زن و شوهر قرار می‌دهد و بر آنان است که این نعمت باطنی و حالت قلبی را که موجب آرامش زندگی و صفا و پاکی است به وسیله جانبداری از هم، گذشت و فداکاری، خوش اخلاقی، توقع در اندازه و ظرفیت لازم، حفظ شئون و شخصیت طرفین و اجتناب از بگو مگوهای بیهوده حفظ کنند و از عواملی که به محبت و عاطفه خلل وارد می‌کند بپرهیزند؛ زیرا تبدیل این عاطفه و شوق به کینه و نفرت و بغض در صورتی که ملاک شرعی و عقلی در کار نباشد مبدل کردن نعمت به نقمت و بلاست و خود نوعی ناسپاسی به شمار می‌آید.

البته به فرمایش حضرت رضا علیه السلام دل‌ها را رغبت و نفرت و نشاط و سستی می‌باشد؛ هنگامی



که دل، میل و اقبال می‌کند بینش و ادراک دارد و زمانی که بی‌میل است افسرده و ناتوان می‌باشد. از این روی هنگامی که درون با نشاط توأم می‌باشد باید دل‌ها را به کار گرفت و زمانی که حالت سستی و رخوت دارد باید آن‌ها را کرد تا توان و آرامش خود را بازیابد.

زن و شوهر در روابط عاطفی با یکدیگر باید این بیان گهربار امام رضا (علیه‌السلام) را در نظر گیرند که می‌فرماید: اگر مؤمنی خشمگین شود عصبانیت، وی را از طریق حق بیرون نمی‌برد و اگر شادمانی یابد این خرسندی وی را دچار باطل نمی‌سازد و چون به اقتداری می‌رسد بیشتر از آنچه حق دارد، نمی‌گیرد. (علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶: ۱۴)

ابراز محبت زن و مرد به یکدیگر که در قالب‌ها و به صورت‌های مختلف بروز و ظهور می‌یابد، اهمیت فراوانی در اسلام دارد. نبود یا کمبود چنین محبتی، از مهم‌ترین عوامل آسیب‌های تربیتی در خانواده است. همان‌طور که مردان از همسران خود توقع دارند تا خود را برای آنان بیارایند، آنها خود نیز باید در حد معمول، به ظاهر خود اهمیت بدهند و برای ایجاد محبت در دل همسر، خود را بیارایند. این دستور دینی و انسانی و عملی ساختن آن را از بزرگواری چون امام رضا علیه‌السلام می‌توان آموخت که آراستگی در منزل را، نه برای خود که برای خانواده و برای تربیت درست، امری لازم می‌دانند. حسن بن جهم می‌گوید: نزد امام رضا علیه‌السلام رفتم و او موهایش را رنگ سیاه زده بود. گفتم: فدایت شوم، با رنگ سیاه موهایت را رنگ کردی؟ فرمود: در رنگ آمیزی مو پاداش است. رنگ کردن موی و آراستن ظاهر از چیزهایی است که پاکدامنی زنان را افزون می‌سازد. زنان پاکدامنی را رها کردند چون همسرانشان خود را برای آنان آماده نکردند. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۷۳/۱۰۰)

آن حضرت در حدیثی دیگر به نقل از پدران خود، نزدیک به همین مضمون فرمودند: «زنان بنی اسرائیل از عفت و پاکی دست برداشتند و این مسئله هیچ سببی نداشت جز آن که شوهرانشان، خود را نمی‌آراستند» سپس افزودند: «انها تشتهی منك مثل الذی تشتهی منها». زن هم از مرد همان انتظاری را دارد که مرد از او دارد. (همان: ۲۲۹/۱۰۰)

از این احادیث و دیگر آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود که حقوق زن و مرد در خانواده باید دو سویه باشد و هرکدام با دیگری باید رابطه‌ای درست و انسانی داشته باشد. آراستگی و

خودآرایی و پرهیز از ژولیدگی، از جمله این حقوق است که اگر به درستی صورت پذیرد طرفین را به زندگی زناشویی دلگرم می کند و آرامش لازم را به ارمغان خواهد آورد. اما امروز مردان و برخی زنان که به دلیل مشکلات اقتصادی در خارج از منزل کار می کنند، چنان غرق کار می شوند که وقتی به منزل باز می گردند، نه نشاط روحی دارند و نه احساسی باقی مانده است که بخواهند به همسر خود ابراز احساسات کنند. اینجاست که زندگی مشترک رو به خمودگی می رود و خانه برای زن و شوهر، به زندانی مخوف تبدیل می شود که درصدد فرار از آن برمی آیند. این فرار، گاه با ترک منزل و گاه با ترک زندگی مشترک حاصل می شود.

در این میان آموزه های اهل بیت علیهم السلام برابراز عطوفت و مهربانی نسبت به زن و دختر تاکید بیشتری کرده اند؛ چرا که آنان از احساساتی ظریف تر و شکننده تر برخوردارند. البته رعایت عدالت میان فرزندان، از دستورات موکد اسلام است ولی توجه ویژه به دختران یک اصل شناخته شده است. امام رضا علیه السلام در ضرورت رعایت این اصل، به نقل از رسول خدا ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرْقُ مِنْهُ عَلَى الذَّكَوَرِ وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ يَبْنِيهَا حُرْمَةً إِلَّا فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». خداوند بزرگ نسبت به زنان مهربان تر از مردان است و مردی نیست که زنی از محارم خویش را شاد کند مگر آنکه خداوند او را در قیامت شاد خواهد کرد. (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۲۱/۳۶۷)

۳-۴- فقدان امنیت روانی

وقتی آرایش و پیرایش برای یکدیگر صورت گیرد، علاوه بر ایجاد روابط پسندیده اخلاقی و روانی و ازدیاد عواطف قلبی، موجبات اطمینان زوجین نسبت به هم پدید می آید و در نتیجه نه زن به مردی غیر از همسر خود نظر خواهد داشت و نه مرد به زنی غیر از زن خود توجه عاطفی خواهد کرد و امنیتی که از این رفتار متقابل به دست می آید، همه ابعاد زندگی زن و مرد را تحت پوشش قرار می دهد و هرگونه بدبینی و بی اعتمادی در روابط خانوادگی را محو می کند. بدینگونه پایه های نظام خانواده بر اساس حسن روابط و سلامت روحی استوار خواهد شد و این همان است که قرآن می فرماید: هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ (بقره/۱۸۷) آنان برای شما

لباسند و شما برای آنان لباسید.

کلینی در فروع کافی حدیثی را بدین مضمون از امام رضا (علیه السلام) نقل می کند: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَائِدَةً خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتُهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ». هیچ فایده ای به کسی نمی رسد بهتر از اینکه برایش بانویی باشد که نگاه کردن به او و مصاحبت با او موجب شادمانی همسر باشد و در غیاب شوهر امانت دار و حافظ حریم خویش و خانواده و اموال شوهر است. (کلینی، ۱۴۰۶: ۳۲۷/۵)

از آنجا که مسئولیت امنیت روانی خانواده برعهده زن است و کلیدهای عاطفه و رموز ایجاد روابط قلبی به دست اوست، اسلام از زن انتظاری متناسب با این جایگاه دارد و در واقع چون سعادت و شقاوت خانواده به بانوی خانه وابسته است، در روایات ائمه هدی بالاترین زینت و نهایت سعادت برای مرد، برخورداری از همسری شایسته، معرفی شده است.

۵-۳- نگرانی های معیشتی

تأمین معاش حلال و فراهم بودن امکانات زندگی برای اهل خانه عامل مهمی در ایجاد آرامش و افزایش صمیمیت میان زن و شوهر است. امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًى فِي بَدَنِهِ مُخْلِىً فِي سَرِّهِ عِنْدَهُ قُوْتُ يَوْمِهِ فَكَأَنَّمَا حَيَّرَتْ لَهُ الدُّنْيَا». هر کس صبح کند در حالی که تنش سالم و خاطرش آسوده و معاشش تأمین باشد، از مواهب یک زندگی مطلوب و آرام برخوردار است. (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۱۹۴)

آن حضرت در روایتی دیگر از پیروان خود می خواهد برای ایجاد گشایش در زندگی و رفاه اهل خانه بکوشند: «صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ». افرادی که از نعمتی برخوردارند، باید بر زن و فرزند خود گشایش دهند. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۳۵/۷۵)

حکمت این تأکید آن است که اهتمام و تکاپو در این خصوص اثری مهم در پیوند عاطفی اعضای خانواده دارد و روابط محبت آمیز افراد خانه را تحکیم و قوت می بخشد. در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام یکی از نشانه های سعادت انسان این است که بتواند به وضع خانواده خود رسیدگی کند. در این باره نیز هشتمین ستاره درخشان آسمان امامت چنین گوهر افشانی کرده

اند: «يُنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوَسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لئَلَّا يَتِمَّتُوا مَوْتَهُ». شایسته است مرد بر اهل خانه (از لحاظ مخارج زندگی) گشاده دستی کند تا آنان مرگ او را از خداوند درخواست نکنند. (صدوق، ۱۴۱۳: ۶۸/۲)

البته گشاده دستی موجب نمی شود آدمی از اعتدال، قناعت و کسب رزق حلال دوری گزیند. حضرت امام رضا (علیه السلام) در این باره تأکید کرده اند: «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ». هرکس در مقابل روزی اندک از خداوند متعال راضی باشد، خداوند نیز در مقابل عمل اندک او از وی راضی خواهد شد. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۵۳/۷۵)

تلاش در جهت فراهم آوردن تسهیلات برای خانواده در درجه ای از اهمیت است که امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «أَنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفٍ بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». کسی که در پی به دست آوردن درآمدی برای تأمین معاش عائله اش باشد، بهتر از مجاهدان در راه خداست. (الحرانی، ۱۴۱۶: ۸۰۸)

حکمت این تأکید آن است که اهتمام در این خصوص، اثری مهم در پیوند عاطفی اعضای خانواده دارد و روابط محبت آمیز افراد خانه را تحکیم می بخشد.

تعامل فقه با تربیت خانواده

الف - از جهت اشتراک موضوع

موضوع تربیت، انسان تربیت شده است. به این بیان که عوامل تربیتی در صدد تأثیرگذاری بر مرتبی هستند و کانون این تأثیرپذیری اندیشه ها، بینش ها، گرایش ها و بهویژه رفتارهای اوست. اما آن چه از تأثیرات تربیتی در مرتبی بیش تر تجلی می یابد، واکنش ها و رفتارهای بیرونی او است. از این رو، کانون تأثیرات مربی در فرایند تربیت، بروز اعمال و رفتارهای مطلوب در مرتبی است. از سوی دیگر، موضوع فقه انسان و شؤون مختلف او به ویژه اعمال و رفتارهای او است و همین زمینه مشترک فقه و تربیت با انسان و رفتارهای او تعامل آن دو را امکان پذیر می سازد.





ب- از جهت گستره قلمرو

تربیت همه زوایای زندگی آدمی را در برمی گیرد و فقه نیز این ویژگی را دارد فقه ، حتی جهات روحی و روانی را در تطبیق با رفتار را در بر می گیرد . مثلاً برای اجرای حدود وجود صاحبان دم برای تشفی صدر توصیه شده .

ج- فقه پشتوانه نظام تربیتی

از آنجا که تربیت خانواده جدای از احکام نیست نظم نمی توان تربیت را بدون قوانین فقهی و به تبع حقوقی در نظر گرفت تربیت اسلامی ضرورتاً نظر به ریشه های قرآنی و روایی دارد که در فقه متجلی است .

د- اشتراک در غایات

هم تربیت به عنوان یک فرایند هدایت گر در جامعه اسلامی و هم فقه به عنوان یک حوزه معرفتی دینی و اسلامی در راستای رساندن انسان مکلف به یک هدف غایی، یعنی قرب الهی حرکت می کنند. تربیت دینی بدون غایت الهی بی معناست .

ر- اشتراک در کاربرد و استعمال

فقه بُعد عملی شریعت است و همه احکام به نحوی جنبه کاربردی دارند. از همین رو است که تعبیر «احکام عملیه» در سخنان و فقها رواج دارد. از سوی دیگر، بارزترین جنبه تربیت آدمی ، فعالیت ها و رفتارهای عملی مربوطه تربی است .

ز- تاثیر فقه در مبانی تربیت

در پشتوانه تربیت گفته شد ولی مبانی فقه که کتاب و سنت و اجماع و عقل است بدون تردید در تربیت موثر است و به نوعی حجیت عملی تربیت را تضمین می کند و معیارها و ملاک های آن را می نمایاند .

فقه بعضی از اصول را به تربیت القای کند از جمله اصل الزام در واجبات و اختیار و مسامحه

در مباحثات و مستحبات و مکروهات و اصل تعبد در احکامی که یا می دانیم یا نمی دانیم دلیل و فلسفه آن را .

نتیجه گیری

از دیدگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، انسان علاوه بر بعد فردی، از بعد گروهی یا اجتماعی نیز برخوردار است و خانواده از این نظر پایه گذار شخصیت اجتماعی انسان است. آن حضرت برقراری پیوند پاک عاطفی یعنی ازدواج و تشکیل خانواده را به مثابه یکی از نیازهای روحی و روانی انسان می داند. حضرت رضا علیه السلام در همین حال برای مقابله با چالش های تربیتی خانواده که امری اجتناب ناپذیر است، توصیه هایی دارند که به طور خلاصه این چنین است:

- از آن جا که یکی از مؤلفه های سلامت روانی افراد و نیز اعضای خانواده و جامعه انسانی، توجه به شاخص های زندگی به ویژه کیفیت زندگی است، توصیه های امام رضا علیه السلام و سیره عملی آن حضرت در زندگی خانوادگی، رفتار نیکو با همسر و فرزندان و احترام به پدر و مادر است.

- نیاز به تعلق داشتن و عشق که در ردیف نیازهای اساسی و عالی انسان قرار می گیرد، در سیره رضوی از چنان جایگاه ویژه ای برخوردار است که در قالب ارائه الگوهای رفتاری چون ابرار عشق و محبت در روابط بین همسران، استحکام بنیان خانواده را به دنبال خواهد داشت.

- با در نظر گرفتن الگوی نظری و سیره رضوی در حیطه امنیت روان شناختی در خانواده، منبع اصلی امنیت و آرامش انسان، رابطه با خداوند است زیرا یکی از نیازهای اساسی بشر، بهره مندی از امنیت خاطر و اطمینان در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است که از نعمت های الهی محسوب می شود.

فقه تعاملاتی با فقه دارد مهمترین تعامل بدست دادن مبانی آن و مشترکاتی که وجود دارد . این دیدگاه از جهت حقوقی نیز آثار قابل بررسی خواهد داشت .



منابع

*قرآن کریم

۱. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام (۱۴۰۶ق) فقه الرضا. بیروت: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۳. بدری، تحسین (۱۴۲۸ق) معجم مفردات أصول الفقه المقارن. تهران: المشرق للثقافة و النشر.
۴. بیضاوی، عمر بن محمد (۱۴۰۸ق) انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. جمعی از محققان (۱۳۸۹) فرهنگ نامه اصول فقه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. الحرائی، ابن شعبه (۱۴۱۶ق) تُحَفُّ الْعُقُول فیما جاء من الحِکَم والمواعظ عن آل الرسول. بیروت: دار الفکر.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۸. خطیب، محمد شحات (۱۴۱۵ق) اصول التریبیه الاسلامیه. ریاض: دارالخریجی.
۹. خوری الشرتونی، سعید (۱۴۰۳ق) اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد. قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق) المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
۱۱. رفیعی، بهروز (۱۳۸۸) آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سبحان.
۱۲. سالاری فر، محمدرضا ۱۳۸۶. خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، تهران سمت
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۷۶) منشور عقاید امامیه. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۴. صالح، صبحی (۱۳۸۸) نهج البلاغه. قم: انتشارات علمیه.
۱۵. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۷۸) عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: انتشارات علمی
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق) مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیْه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۷. طباطبایی حکیم، محمد تقی (۱۳۹۸) الاصول العامة للفقه المقارن. قم: انتشارات جامعه

مدرسین.

۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق) الأمالی. بیروت: دار العلم.
۲۰. قلی زاده، احمد (۱۳۷۹) واژه شناسی اصطلاحات اصول فقه. تهران: بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیاء.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۶ق) اصول کافی. تهران: جهان آرا.
۲۲. گلدنبرگ، آیرن (۱۴۰۳) خانواده درمانی. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.
۲۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰) التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۴. مظفر، محمد رضا (۱۴۱۰ق) اصول الفقه. قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۶ق) بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. تهران: انتشارات اسلامیة.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.



